

## بررسی اوضاع سیاسی، فرهنگی و مذهبی در عهد آل بویه

یعقوب ایتوندی\*

### چکیده

یکی از حکومت‌هایی که در تاریخ شیعیان، اهمیت به‌خصوصی دارد، حکومت آل بویه است که توسط سه برادر پایه‌گذاری شد و حکومت آنان فصل جدیدی را در مذهب تشیع ایجاد کرد. از این رو، صرف‌نظر از اینکه آنان پیرو کدام فرقه بودند، این نوشته به چگونگی روی کار آمدن آل بویه و حکمرانی آنان در بغداد و برخوردهای سیاسی، فرهنگی و مذهبی آنان، پرداخته است.

هدف از نگارش این نوشتار، گذری به چگونگی شکل‌گیری این دولت و آشنایی با خدمات آن برای جامعه شیعی آن عصر است. بر اساس این تحقیق، سه برادر بویهی با ابراز لیاقت‌های فراوان، توانستند ابتدا به‌عنوان فرماندهان سرزمین دیلم و آنگاه به‌عنوان مؤسس دولت مستقل بویهی در بغداد ابراز وجود کنند. آل بویه در زنده کردن شعائر شیعی نقشی به سزا داشتند. با وجود اقتدار حکمرانان نخستین دولت آل بویه و ارائه خدمات متعدد رفاهی و مذهبی بر اثر بروز برخی عوامل، این دولت نتوانست عمری دراز داشته باشد. **کلیدواژه‌ها:** آل بویه، فرهنگ، مذهب، شیعه، اهل سنت، بغداد.

---

\* محقق، پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح سه رشته شیعه‌شناسی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه‌السلام.

نگاهی بیرونی به تاریخ تشیع نشان از وجود ادوار مختلف با فراز و نشیب‌های فراوان در این مکتب دارد. در مقاطعی از تاریخ، تشیع در افول و فشار بوده و برخی مقاطع نیز دوران اوج تشیع به شمار می‌آید. به‌طور طبیعی دولت‌های شیعی در به اوج رساندن مذهب شیعه انکارناپذیر است. رشد و تعالی علمی و اجتماعی مذهب تشیع در برخی ادوار نتیجه وجود دولت‌های مقتدر شیعی بوده است. ظهور آل‌بویه و به قدرت رسیدن آن‌ها در جهان اسلام را می‌توان از جمله مقاطع اوج تشیع دانست.

دیلمیان، طوایفی کوه‌نشین بودند که جغرافی‌دانان عرب قرن دهم میلادی آنان را ساکنان دیلم (ارتفاعات گیلان) می‌دانستند. «زیاریان» و «آل‌بویه»، دو خاندان دیلمی از نواحی کوهستانی گیلان بودند که توانستند در بخش بزرگی از ایران حکومت کنند. در واقع، بعد از حکومت نیمه‌مستقل طاهریان و پس از صفاریان و در ایام امارت سامانیان در ماوراءالنهر، این حکومت‌های محلی توانستند بر قسمت عمده ایران غربی - از خراسان تا بغداد - تسلط یابند. مؤسس آل‌بویه، سه برادر به نام‌های علی، حسن و احمد بود. مرکز ولایات آنان؛ بغداد، فارس، کرمان و جبال بود. حُسن سیاست و خوش‌رفتاری آل‌بویه با مردم موجب جذب عمومی به آنان شد. تصور کلی آل‌بویه از قدرت، نوعی حکومت مشترک عباسی و شیعی بود.<sup>۱</sup>

### ۱. آل‌بویه و حکومت

آل‌بویه در عراق و غرب ایران پس از دوره‌ای به قدرت رسیدند که شاهد تجزیه امپراتوری عباسیان و ازهم‌پاشیدگی قدرت خلافت و گسترش

۱. میترا مهرآبادی، تاریخ ایران، ص ۳۲۹.

کشمکش‌های داخلی در بغداد بود. تا سال ۳۲۴ ق - ده سال پیش از ورود آل‌بویه به بغداد - امپراتوری اسلامی به حکومت‌هایی کوچک تجزیه شده بود.

آل‌بویه نام خود را از «بویه» گرفتند که پدر بنیادگذاران این سلسله بود. جد ایشان، ابو شجاع بویه پسر فنا خسرو (پناه خسرو) نام داشت که نسبت خود را به «مهر نرسی» وزیر بهرام گور می‌رسانید. بویه از طایفه شرزیل آوند از اهالی قریه کیاکلش در دیلمان بود و با گمنامی و تنگدستی زندگی می‌کرد و روزی او از صید ماهی بود، سپس شخصیتی یافت و به خدمت یکی از هم‌وطنان خود به نام «ماکان کاکي» سردار امیر نصر سامانی درآمد و پس از مرگ وی در سپاه «مرداویج زیاری» که از مردم گیلان بود، داخل شد. وی سه پسر داشت که بعدها هر سه به سلطنت رسیدند. علی پسر بزرگ، حسن دومی و پسر سوم احمد نام داشت که بعد به ترتیب به «عمادالدوله»، «رکن‌الدوله» و «معزالدوله» نامیده شدند. این سه پسر، پس از تحمل شداید و تلاش فراوانی که به کاربردند، به پیشرفت فوق‌العاده‌ای نائل شدند. به گفته ابن ابی‌الحدید، چنان سلطنتی تشکیل دادند که در شکوه و عظمت، ضرب‌المثل بود.<sup>۱</sup>

سلطنت آل‌بویه به‌خصوص در زمان عضدالدوله به اوج قدرت رسید و از آن‌پس روی به انحطاط نهاد. آغاز آن از ماه ذی‌قعدة سال ۳۲۱ ه و پایان آن بنا بر احتمال قوی سال ۴۴۸ بود. سلطنت آنان ۱۲۰ سال ادامه داشت و ۱۷ تن از این خاندان به حکومت رسیدند.

ابن طقطقی (۷۰۱ - ۶۶۰ ه) در کتاب «الفخری فی الاداب السلطانیة و الدول الاسلامیه» درباره دولت آل‌بویه می‌نویسد:

پیدایش دولت آل‌بویه را هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد و حتی تصور جزئی از عظمت آن را نیز نمی‌نمود لیکن دولت مزبور بر عالم چیره شد و مردم جهان را مقهور خود کرد و بر مقام خلافت استیلا یافت.

۱. ابن‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۷، ص ۴۹.



پادشاهان آل بویه خلفا را عزل و نصب کردند و وزرا را به کار واداشتند و از کار برکنار نمودند و بدین سان کلیه امور بلاد عجم و عراق را زیر فرمان خود درآوردند و رجال دولت همگی از ایشان اطاعت کردند.<sup>۱</sup>

صاحب تاریخ فخری می‌افزاید:

جالب این است که آن همه عظمت پس از تنگدستی و بینوایی و خواری و نیازمندی و دست‌وپنجه نرم کردن با رنج و ستم، نصیب آنان شد زیرا جد ایشان ابو شجاع بویه و پدرجد او جملگی مانند سایر رعایای فقیر در بلاد دیلم به سر می‌بردند و بویه خود به شغل ماهی‌گیری می‌پرداخت. از این رو معزالدوله پس از تصرف بلاد همواره به نعمت خداوند معترف بود و می‌گفت: من در آغاز زندگی هیزم می‌چیدم و روی سرنهاده می‌بردم.<sup>۲</sup>

عصر آل بویه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

الف: دوره آغازین (۳۳۳-۳۶۵)

ب: دوره امپراتوری (۳۶۵-۴۰۰)

ج: افول و سقوط امپراتوری (۴۰۰-۴۴۳)

دوره آغازین عبارت است از تحکیم قدرت به دست سه پسر بویه و انتقال آن به پسرانش، بختیار (معزالدوله) و عضدالدوله (پسر رکن‌الدوله). چون عمادالدوله فرزندی نداشت، برادرزاده‌اش عضدالدوله در فارس جانشین او شد. دوره امپراتوری با جلوس عضدالدوله بر مسند قدرت در بغداد شروع شد و با حکومت پسرانش، صمصام‌الدوله (۳۷۱-۳۷۵) و شرف‌الدوله (۳۷۵-۳۷۷) و بهاء‌الدوله (۳۷۷-۴۰۰) ادامه یافت. عضدالدوله بی‌تردید برجسته‌ترین فرمانروای آل بویه بود که با رهبری او امپراتوری آل بویه به بیشترین حد قدرت و

۱. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، ص ۳۷۸.

۲. همان، ص ۳۷۹.



وسعت رسید. گرچه وحدتی که او ایجاد کرد پس از وفاتش از هم گسست و بروز اختلاف میان پسرانش، آغاز سقوط این خاندان را رقم زد.<sup>۱</sup>

## ۲. روابط و مناسبات آل بویه با خلفای عباسی

روابط و مناسبات آل بویه با خلفای عباسی وضعی پیچیده داشت. آنان با آنکه شیعه بودند به ساقط کردن خلافت عباسیان مبادرت نورزیدند، زیرا ملاحظات عملی، اتخاذ چنین سیاستی را ایجاب می‌کرد. جمعیت بغداد و به‌طور کلی عراق و همچنین سپاهیان ترک (سواره‌نظام ضروری و ملازم پیاده‌نظام دیلمیان) بیشتر سنی بودند، لذا آل بویه ناگزیر بودند که میان گرایش‌های شیعی و فشار اهل سنت موازنه‌ای دقیق برقرار سازند. اصل «الناس علی دین ملوکهم» در اینجا مصداق نداشت، زیرا آل بویه از احترام گسترده مردم نسبت به مرجعیت خلیفه در عراق و به‌طور کلی در جهان اسلام، به‌مثابه وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش استفاده می‌کردند. آن‌ها اجازه رسمی حکومت را از خلیفه گرفتند. دلیلی دیگر نیز برای برکنار نکردن خلیفه عباسی به نفع یک علوی بر حق وجود داشت چون چنین عملی، قدرت خود آل بویه را تنزل می‌داد و ناگزیر می‌شدند از خلیفه‌ای علوی تبعیت کنند. امرای آل بویه حتی مدعیان علوی را توقیف می‌کردند. تصور کلی آل بویه از قدرت، «گونه‌ای حکومت مشترک عباسی و شیعی» بود. جلوه ظاهری انتقال قدرت از خلیفه به امیر، به شکل تمرکز نظارت و مدیریت سیاسی در «دارالمملکه» جدیدالتأسیس بغداد و برچیدن «دارالخلافه» پدیدار شد.

## ۳. سیاست مذهبی آل بویه

معمولاً گمان می‌رود که آنان در اصل زیدی و پیرو عقیده شیعی مسلط در موطن خویش بودند. معزالدوله ممکن است که در اواخر عمر به تشیع اثناعشری

۱. صادق سجادی، «آل بویه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

گرویده باشد. معزالدوله سیاست آشتی مذهبی میان سنیان و شیعیان را در پیش گرفت. به قدرت رسیدن آل بویه بی گمان کشمکش‌های عقیدتی را که پیش از این به وخامت گراییده بود شدیدتر کرد. نخستین مورد ناآرامی مذهبی - غارت محله شیعه‌نشین کرخ - در تابستان (۳۳۸ ق) را سنیان آغاز کردند و در اثنای غیبت معزالدوله از پایتخت روی داد. خشونت‌هایی حتی شدیدتر از این (در ۳۴۰ ق) و بیشتر از این (در ۳۴۶ ق) نیز رخ داد. در دوران به قدرت رسیدن آل بویه، فرقه شیعه در عراق و ایران مسلط بود و اصول اعتقادی آن را مفسران شاخص آن - کلینی، ابن بابویه و شیخ مفید - به طرزی فعال و نمایان، تدوین کرده بودند. اعتقاد به امام غایب برای آل بویه عقیده‌ای دلپسند بود زیرا این اعتقاد آنان را وادار می‌ساخت که موقت خلیفه عباسی را به رسمیت بشناسند و در عین حال خود، اعمال قدرت کنند، بی‌آنکه ناگزیر از انتصاب یک مدعی علوی باشند.<sup>۱</sup>

معزالدوله با وجود در پیش گرفتن سیاست آشتی اعتقادی، ترویج رسوم شیعی را تأیید می‌کرد. مراسم یادبود عاشورای حسین بن علی (ع)، نخستین بار با عزاداری عمومی در روز دهم محرم (۳۵۲ ه) برگزار شد. بازارها تعطیل و کسب و کار متوقف شد. زنان با گیسوان آشفته، چهره‌های سیاه کرده و جامه‌های ژنده به صورت دسته‌جمعی حرکت می‌کردند و باحالتی سوگوار بر سر و روی خود می‌زدند. در ۱۸ ذی‌حجه (۳۵۲ ه) همان سال، روز غدیر خم را با برپا کردن چادرهای آذین بسته و افروختن آتش و نواختن موسیقی و زیارت کاظمین جشن گرفتند. در بقیه دوران حکومت معزالدوله و در اثنای حکومت پسر - معزالدوله - نیز مجالس به مناسبت این ایام برگزار می‌شد و واکنش خشونت‌آمیز سنیان و به‌ویژه حنابله را برمی‌انگیخت تا اینکه در (۳۵۳ ق)، در اثنای مراسم عاشورا

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نموداری از زندگی مردم آن عصر، ص

شورش پدید آمد. از سوی دیگر، سنّیان با پی بردن به تأثیر اجتماعی و روانی مراسم شیعیان و بالاخره در واکنش نسبت به اقدام آنان، دو مراسم یادبود، بدعت نهادند. آنان در ادامه مراسم عاشورا، در ۱۸ محرم، زیارت آرامگاه مصعب بن زبیر در ناحیه «مسکن» را مرسوم کردند و هشت روز پس از عید غدیر خم، یوم الغار را به یادبود روزی که پیامبر ﷺ و ابوبکر در سر راه خود به مدینه به غاری پناه بردند، جشن گرفتند و همچون شیعیان مراسم مذهبی برپا داشتند.

عضدالدوله - جانشین عزالدوله - با اقتدار بیشتری حکومت می‌کرد. بغداد کمتر دچار آشوب بود. وی مانع وعظ و خطابه واعظان هر دو فرقه شد و علویان صاحب نفوذ را به فارس تبعید کرد. در فارس - پایگاه قدرت عضدالدوله - اکثریت جمعیت سنّی بودند و اربابان دیلمی آنان بیشتر طرفدار امامیه بودند تا زیدیه.

از ظواهر چنین برمی‌آید که عضدالدوله شیعه امامی بوده است. در کتیبه‌ای نوشته‌شده به فرمان او در تخت جمشید، مورّخ (۲۶۳ هـ)، نام دوازده امام همراه با تحیات مرسوم ذکر شده است. عضدالدوله با مرمت و نوسازی مرقد امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نجف و امام حسین (ع) در کربلا، تمایلات شیعی خود را ابراز کرد و پس از مرگ نیز در جوار مرقد امیرالمؤمنین علی علیه السلام دفن شد.

مهم‌ترین توفیق شیعیان در عهد آل بویه، اجازه تظاهر علنی به عقایدشان، بدون نیاز به تقیّه بود. در این دوره، تشیع امامی بی‌آنکه مذهب رسمی حکومت اسلامی شود، مرسوم شد و اشخاص با فرهنگی از جمله بازرگانان و دولتمندان و عمّال دولتی ساکن در محله کرخ و دارالحکومه و حتی در داخل محدوده دارالخلافه را به خود جذب کرد. تشیع امامی یاور سایر مذاهب شیعی نیز بود، از جمله فرقه اسماعیلیه که در این دوران شخصیت‌های ممتازی را شیفته خود کرده بود.



#### ۴. میراث ملی آل بویه

اصل و نسب ایرانی امرای آل بویه در شکل‌گیری آگاهی سیاسی آنان مؤثر بود. امرای آل بویه در نسل دوم در زبان عربی تبحر یافتند اما این امر، دل‌بستگی آنان به میراث فرهنگی ملتشان را به نحو محسوس کاهش نداد. رویکرد ایرانی عضدالدوله در لقب «امیر عادل»<sup>۱</sup> منقوش بر سکه‌ای ضرب شده در شیراز (در ۳۵۰ هـ) آشکار است.

#### ۵. بغداد در دوران حکمرانی آل بویه

بغداد در نیمه قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، در اوج قدرت آل بویه، از نظر رشد شهری به حدّ اعلای خود رسید و در گردابی از تنزّل وضع اجتماعی و اقتصادی گرفتار شد. جمعیت بغداد در قرن چهارم بسیار بالاست. برآوردی واقع‌گرایانه‌تر این رقم را ۲۵۰ هزار نفر تا نیم میلیون نفر تعیین می‌کند. حکومت آل بویه با ناکامی غریبی می‌کوشید از جریان شدید زوال شهرنشینی جلوگیری کند. پیش از روی کار آمدن آل بویه، منازعات امیرالامراها، به‌خصوص سبب خرابی نهرهای آبیاری و لطمه زدن به ثبات اقتصادی شده بود. باین‌همه، در تقابل آشکار با شبح زوال اجتماعی و اقتصادی، ساختن بناهای شهری را فعالانه دنبال می‌کردند.<sup>۲</sup> پادشاهان آل بویه اشتیاق فراوان به بنای کاخ سلطنتی داشتند. در بغداد چهار مسجد جامع وجود داشت. در جانب غربی، مسجد منصور بود که در مدینه‌المنصور قرار داشت و نیز مسجد براتا، مرکز تعلیم شیعیان و محل مناظره میان پیروان ادیان مختلف، در قریه براتا حومه غربی بغداد بین مدینه‌المنصور و دجله واقع بود. در جانب شرقی، مسجد رُصافه و مسجد دارالخلافة بنا شده بود.

۱. عدالت یکی از فضایل بسیار ستوده پادشاهان ایرانی بود.

۲. کلود کاهن، آل بویه، ترجمه علی بحسرانی، ص ۱۱۳.



در پایان قرن دهم میلادی دو مسجد جامع دیگر به نام‌های مسجد حرّیه و مسجد قطیعه امّ جعفر (زیبیدیه) نیز افزوده شد.<sup>۱</sup>

بااینکه دوران آل‌بویه برای بغداد (و سایر ولایات) عصر شکوفایی فرهنگی محسوب می‌شد، درعین‌حال زمان تنزل اقتصادی و ناآرامی اجتماعی نیز بود. به‌علاوه، در سراسر دوران حکومت آل‌بویه شهر بغداد پیوسته بر اثر منازعات فرقه‌ای میان سنیان و شیعیان و برخوردهای خشونت‌بار میان سربازان ترک (سنّی) و دیلمی (شیعی) وضعی نابسامان داشت.

### ۶. حیات فرهنگی در عهد آل‌بویه

امیران و وزیران آل‌بویه به استفاده از فضل ملازمان فاضل خویش مشتاق بودند. آنان، برای کسب اعتبار و مشروعیت، فرهنگ و علم را به‌منزله زینت و جلوه قدرت ارج می‌نهادند و متفکران پرفروغ را همچون گوهرهایی بر تارک تاج خویش می‌نشانند.

معزالدوله از ادب و فرهنگ بهره‌ای زیاد نبرده بود اما پسرانش در حیات فرهنگی این عصر کوشا و مؤثر بودند. حبشی (سندالدوله) والی بصره در آن شهر کتابخانه‌ای بنا کرد که پانزده هزار جلد کتاب داشت. بختیار (عزالدوله) پسر دیگر معزالدوله، قطع نظر از ضعف‌هایی که در فرمانروایی داشت، شاعر برجسته آل‌بویه بود.

عضدالدوله بزرگ‌ترین حامی دانش در آل‌بویه بود. برای تشکیل مجلس مناظره، دربارهای امیران و وزیران، محیطی مناسب بود. سلطان و ملازمانشان بی‌تردید از مشاهده مجادله لفظی لغویان، شاعران، نحویان، متکلمان و فیلسوفان به وجد می‌آمدند.

۱. برتولد اشیولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلام، ترجمه جواد فلاطوری، ص ۱۳۲.

## ۷. مذاهب اسلامی

### ۱-۷. اهل سنت

از میان مذاهب اهل سنت، مذهب حنفی مورد حمایت خلفای عباسی بود لیکن حنابله از نظر تعداد در بغداد برتری داشتند و نفوذشان محسوس بود. اینان که سخت معتقد به سنت بودند در صف مقدم مخالفت اهل سنت با شیعیان، متکلمان و فیلسوفان و با هر شکلی از تفرقه، بدعت و نوآوری قرار داشتند. حنابله در مخالفت با شیعیان و اعتقاد آنان به برتری حضرت علی علیه السلام، ادعای برتری سه خلیفه اول را داشتند. آنان قرآن را «قدیم» می دانستند و با تعلیم معتزله مبنی بر «محدث» بودن آن مخالفت می ورزیدند. علاوه بر این، در عصر آل بویه، حنابله نقش «حزب سیاسی و مذهبی مخالف» را بازی می کردند. پایگاه‌های عمده آن‌ها در بغداد عبارت بود از محله باب البصره و مسجد جامع منصور که واعظان مشهورشان در آنجا به موعظه می پرداختند.<sup>۱</sup>

در دوره مورد بحث، مذهب حنبلی دو دوران متمایز دارد: یکی محکوم سازی مذهب حنبلی به فرمان خلیفه الراضی (۳۲۳ ق) و دیگری کوششی که از جانب خلیفه القادر (۴۰۹ ق) صورت گرفت تا مذهب حنبلی، مذهب رسمی حکومت اسلامی شود. از این رو، آشوب حنابله، خلیفه المقتدر را واداشت تا دستور خراب کردن مسجد برائا را در سال (۳۱۳ ق) به سبب سب صحابه پیامبر توسط نمازگزاران شیعی مذهب آن مسجد و سایر اعمال رافضانه صادر کند.

این منازعات ادامه داشت تا اینکه القادر در (۴۰۸ ق) بحث درباره تعالیم معتزله و شیعه را ممنوع و فقیهان حنفی طرفدار معتزله را مجبور کرد که درملاء عام از ادعاهای خود دست بردارند. وی مذهب حنبلی را «مذهب رسمی» حکومت اعلام کرد. به حاکمیت رسیدن دوباره مذهب اهل سنت، بی تردید، نشانه انحطاط آل بویه و نشان دهنده حمایت روزافزون از مذهب اهل سنت بود.

۱. سید حسن موسوی، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۱۴۵.

## ۲-۷. خوارج

در این دوران، خوارج چندان فعال نبودند. شواهد متقنی از حضور آنها در مناطق دور از مرکز، مانند آذربایجان، سیستان، حضرموت و عمان، در دست است.

## ۳-۷. فرقه شیعه

در نیمه اول قرن چهارم، پیش از به قدرت رسیدن آل بویه، تشیع امامی مهم‌ترین مذهب شیعی مورد حمایت میانه‌روها بود. تشیع امامی مناسب‌ترین فرقه شیعه برای رسیدن به توافق با اکثریت سنی بود. اسماعیلیه و زیدیه امام‌هایی مشهود داشتند که برای خلفای سنی در بغداد تهدیدی بالقوه محسوب می‌شدند اما امامیه (از ۳۲۹ ق) امام مشهود نداشتند. امام واقعی از نظر غایب بود و شیعیان در انتظار او به سر می‌برند. این عقیده، سیاست تسامح و تساهل و رفق و مدارا را از هر دو سوی، مقدور می‌ساخت.

آثار فقهی شیعه امامی در عصر آل بویه به نهایت کمال رسید. نویسندگان دو کتاب از کتب اربعه فقهی در حدود همین زمان شهرت یافتند. محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ ق) - مؤلف الکافی فی علم الدین - و ابوجعفر محمد بن بابویه قمی مشهور به صدوق (م ۳۸۱ ق) مؤلف من لایحضره الفقیه. مهم‌ترین عالم از عالمان امامیه، در عهد آل بویه، شیخ مفید است.

## ۸. مکاتب کلامی اسلامی

مکتب کلامی مسلط در دوران آل بویه، آئین معتزله بود. ابوبکر باقلانی از مواضع اشعری، ماهرانه دفاع می‌کرد. هم معتزلیان و هم اشعریان پایگاه‌های فعالیت خود را از بصره به بغداد منتقل کرده بودند. مکتب معتزله‌ی بصره و بغداد شاخه دیگری را در ری ایجاد کرد. اشعری‌ها همواره سنی بودند و معتزله‌ها به دو فرقه سنی و شیعی تقسیم می‌شدند که اکثریت شیعیان را جناح پیروان زیدیه

تشکیل می دادند. در عصر آل بویه، معتزله علاقه‌ای بسیار به فقه از خود نشان دادند.

### ۹. اقلیت‌های غیرمسلمان

اقلیت‌های دینی غیرمسلمان در دوران حکومتِ تسامح پیشه آل بویه، زندگی مطلوبی داشتند.

#### مسیحیان

شهر بغداد بر ویرانه‌های روستاهای قدیم مسیحیِ سونایا و ورثال و کرخا ساخته شده بود. در جانب غربی بغداد، هشت صومعه و شش کلیسا و در جانب شرقی سه صومعه و پنج کلیسا وجود داشت. مسیحیان در حیات فکری بغداد وظیفه مهمی بر عهده داشتند. آنان در حقیقت ترجمه از زبان‌های یونانی و سریانی به عربی را در انحصار خود داشتند.

#### یهودیان

جماعت یهودی بغداد در دوره آل بویه، کثرت و اهمیت چشمگیر داشت. صحت این مدعا را می‌توان از این حقیقت دریافت که بنیامین تیطیلی که یک قرن بعد (۵۶۳ ق) از این شهر دیدن کرد، ۴۰ هزار یهودی و ۲۸ کنیسه و ۱۰ مرکز تعلیم و تعلم در آن یافت. بسیاری از یهودیان در محله عتیقه در جانب غربی ساکن بودند که محل سکونت رأس الجالوت بود و کنیسه‌ای مهم نیز در آنجا برپا بود. یهودیان در حیات فکری بغداد در دوره آل بویه، مشارکت داشتند گرچه تعداد آنان محسوس و سهم فرهنگی آنان چشمگیر نبود. یهودیان به تبحر در هیئت و پزشکی توجه داشتند، توانایی که گاه آنان را به مقام‌های مهم می‌رساند.



### نتیجه‌گیری

آلبویه به خاطر تیزهوشی و سیاست‌ورزی به سرعت راه رسیدن به قدرت را پیمودند. به دلیل شیعه بودن آلبویه و سنی بودن خلفای عباسی و اکثریت مردم تحت حکومتشان، روابط آنان با خلفا و مردم سیاست‌مداران بود و این تفکر آلبویه نسبت به خلفا، وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش بود. آلبویه با برپایی مراسم مذهبی شیعی مانند سوگواری در روز عاشورا، جشن عید غدیر خم و... در زنده نگاه داشتن اعلانات شیعی نقش به‌سزایی داشتند. گرچه در شیعه دوازده‌امامی بودن آنان، اختلاف وجود دارد اما به نظر می‌آید که تمایل به دوازده‌امامی بودن آنان از سایر احتمالات بیشتر باشد. بغداد در دوران حکمرانی آلبویه از نظر رشد شهری به حدّ اعلای خود رسید و این امر موجب تنزّل وضع اجتماعی و اقتصادی بغداد شد. امیران و وزیران آلبویه از فرهنگ غنی برخوردار بودند به طوری که نسبت به مناظرات شاعران، متکلمان و فیلسوفان علاقه نشان می‌دادند. بنا کردن کتابخانه‌های مختلف، گویای همین مطلب است.



### فهرست منابع

۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد، تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم، به کوشش آمدروز، قاهره: مطبعه بشرکه التمدن الصناعیه، ۱۳۳۲ ق.
۲. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، تهران: بهزاد، ۱۳۷۸ ش.
۳. جوئل، ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه انسان‌گرایی در عصر رؤسانس اسلامی، ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
۴. سجادی، صادق، «آل‌بویه»، در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵. فقیهی، علی‌اصغر، تاریخ آل‌بویه، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸ ش.
۶. \_\_\_\_\_، آل‌بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نموداری از زندگی مردم آن عصر، قم: انتشارات صبا، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۷. موسوی، سید حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم: نشر بوستان، ۱۳۸۱ ش.
۸. مهرآبادی، میترا، تاریخ ایران، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۴ ش.

